

ماهیت گارانتی، آثار و احکام آن از منظر فقه امامیه و حقوق ایران^۱

فخرالله ملائی کندلوس*

سمیرا پاکی**

چکیده

گارانتی کالاها در تجارت از جلوه ویژه‌ای برخوردار است که نوع و مدت آن در اراده خریدار جهت ابتیاع کالاها، نقش بسزایی دارد. گارانتی یا ضمانت‌نامه اگر چه به صراحت در متون فقهی مطرح نمی‌باشد ولی زیر عنوان ضمان از دیرباز مورد بحث علما و فقهای اسلامی بوده است. ضرورت رضایت مشتری یا مصرف‌کننده کالا دغدغه دوسویه مؤلف و خریدار است که با هدف سود و بهره بیشتر مطرح می‌شود و علما و فقهای اسلامی نیز نظریات متنوعی را با دیدگاه موازین اسلامی به نفع مصرف‌کننده مطرح نمودند که در باب ضمان - مباحث نزدیک و در ارتباط با گارانتی - مورد بررسی قرار گرفته است. مباحث فقهی و حقوقی موید آن است که خریدار یا متعهدله از حقوق حق فسخ برخوردار است و در مقابل متعهد نیز نسبت به تعمیر، تعویض کالا و لوازم مورد نظر یا تأدیه خسارت و جبران ضرر متعهدله ملتزم است.

کلید واژه‌ها: گارانتی، ضمان، متعهد، متعهدله.

۱- تاریخ وصول: ۹۲/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲۵

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

molaie@iauc.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی،

چالوس، ایران

www.SID.ir

۱- مقدمه

در عصر حاضر تعهد به گارانتی، جهت تشویق و ایجاد انگیزه برای خریدار به منظور اطمینان آن است و هرگاه کالایی از کیفیت و مدت ضمانت بالایی برخوردار باشد، اشتیاق بیشتری برای خرید آن از سوی مشتری وجود دارد. این امر در بین تولیدکنندگان کالا به ویژه کالاهای خانگی و عمومی، مرسوم بوده است تا بدین جا که اینک خریداران اشتیاقی به خرید کالاهایی که دارای گارانتی نیستند، ندارند. بدین ترتیب، از آنجایی که گارانتی از مسائل مبتلا به جامعه کنونی است؛ زیرا هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان در پی تعهد به سلامت کالا هستند. بنابراین، تبیین فقهی و حقوقی اعمال حق در صورت تخلف از گارانتی، کیفیت استفاده از آن و آثار مترتب بر آن و سایر احکام و شرایط آن از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران دارای ضرورت می‌باشد.

بدین ترتیب فرضیه‌های زیر در ارتباط با موضوع پژوهش مطرح می‌شود:

- ۱- به نظر می‌رسد گارانتی از نظر فقهی و حقوقی نوعی از تضمینات یا شرط ضمن عقد باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد در تعهدات مربوط به گارانتی آثاری از قبیل، حق فسخ، الزام به تعمیر یا تعویض لوازم و امثال آن، و احکام گوناگون دیگری وجود دارد.

۲- مفهوم گارانتی

به دلیل اینکه واژه گارانتی واژه‌ای جدید است که از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی و عربی راه یافته که تقریباً مترادف ضمان می‌شود، به همین دلیل در این پژوهش ضمان در همه جای گارانتی به کار رفته است.

ضمان در لغت عرب به معنی در برگرفتن، در چیزی جای دادن، کفیل شدن، غرامت یا تاوان چیزی را بر عهده گرفتن می‌باشد (فیروزآبادی، بی تا، ۴، ۷۰) همچنین در معانی مختلف چون التزام، اشمال و احتواء به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۸، ۸۹؛ فیومی، بی تا، ۳۶۴). در فرهنگ‌های فارسی به معنی قبول کردن، پذیرفتن، بر عهده گرفتن وام دیگری، ملتزم شدن به اینکه هر گاه کسی تعهد خود را وفا نکرد از عهده خسارت بر آید (معین، ۱۳۸۲، ۶۵۵).

ضمان، در اصطلاح فقها به معنی «تعهد» و «بر عهده گرفتن» است. در اصطلاح فقه اسلامی ضمان

در معانی زیر به کار می‌رود:

الف- تعهد به مالی که در ذمه شخص دیگر ثابت است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱، ۲۵۱). ضمان به این معنا در شمار عقود معین است که از آن به ضمان عقدی نیز تعبیر می‌شود.

ب- تعهد بر رد مثل یا قیمت مال تلف شده، چنانکه در ضمان اتلاف گفته می‌شود هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن خواهد بود (مراعی، ۱۴۱۸، ۲، ۴۳۴).

ج- تلف مال از ملک خود مالک، مثل اینکه در تلف مبیع گفته شده است چنانچه پیش از قبض باشد بایع ضامن است یعنی از جیب خود او رفته است و در صورتی که پس از قبض تلف شود از ملک مشتری محسوب است، زیرا به واسطه‌ی قبض ضمان از بایع به مشتری منتقل می‌گردد (شهید اول، ۱۴۰۶، ۱۳۲).

د- تعهد به رد مال معین، چنانکه در ضمان غاصب گفته شده است وی باید عین مال غصب شده را برگرداند و در صورتی که عین مال تلف شده باشد غاصب ملزم به پرداخت مثل آن در فرضی است که مثلی باشد و چنانچه قیمی باشد یا ردّ مثل متعذر گردد متعهد به پرداخت قیمت خواهد بود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۷، ۳۶).

ضمان در اصطلاح حقوقی در دو معنی ضمان به معنای اعم و ضمان به معنای اخص بکار رفته است. ضمان، بطور مطلق در معنای دوم یعنی ضمان به معنای اخص بکار می‌رود. ضمان به معنای اخص یعنی تعهد پرداخت مال (دین مضمول عنه) از ناحیه شخص بریء الذمه (همان).

این تعهد چنانچه در اثر قرارداد و با قصد و رضای متعهد بوجود آید و طرف دیگر تعهد یعنی مضمول له هم آن را بپذیرد، ضمان را عقدی یا قصدی و یا اختیاری گویند. چنانچه به حکم شرع و قانون و بدون قصد متعهد پدید آید ضمان را قهری نامند که از آن به مسؤولیت قهری تعبیر می‌کنند (گرچی، ۱۳۶۵، ۳۳).

بدین ترتیب گارانتی، تعهدی است الزام‌آور که از ناحیه‌ی فروشنده طبق شرایط و ضوابطی در برابر خریدار به وجود آمده و معامله مبتنی بر آن انجام گرفته است. از آنجا که این تعهد براساس آزادی قرارداد پدید آمده، می‌تواند برای تولیدکننده‌ی کالا الزام‌آور باشد، چنانچه ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است» بنابراین، می‌توان حکم به صحت چنین تعهدی داد.

عقود و قراردادها منحصر به عناوین معین در قالب‌های خاص نیستند و امروزه فقیهان امامیه هر نوع قرار معاملی را که از دید عقلا و عرف، عقد و پیمان تلقی گردد، مشمول اصل وفای به عهد و در زمره‌ی تجارت ناشی از تراضی و معتبر و صحیح می‌دانند (قنواتی، ۱۳۷۹، ۱، ۲۱۳). مرحوم سید محمد کاظم یزدی

هر گونه معامله عقلائیه متداوله را صحیح می‌داند و این صحت را تا مرز منع شارع می‌پذیرد و عدم منع شارع را نیز امضاء می‌داند(کاظمی یزدی، ۱۳۷۱، ۱۹۲). گارانتی اعطایی از سوی شرکت‌های تولیدی را می‌توان در دو حالت تصور نمود.

الف) گارانتی را به عنوان شرط ضمن عقد بیع تلقی نمود و معامله را مبتنی بر آن دانست. در این صورت الزام پدید آمده از عقد لازم، شرط ضمن آن را نیز شامل شده و شرط را نیز الزام آور می‌نماید. ب) گارانتی را شرط جداگانه و صرفاً مربوط به آن قرارداد دانست که با توضیحی که در فوق ارائه شد این شرط نیز لازم و تعهدآور است اگرچه در ضمن عقد واقع نشده باشد بنابراین تولید کننده به صرف اینکه تعهد کرده باشد که تا مدت زمان مشخصی عیوب پدید آمده در کالا را رفع نماید و یا آن را تعویض نماید و این امر مورد قبول خریدار قرار گرفته باشد تعهدی الزام‌آور پدید آمده است که بر پایه آن خریدار می‌تواند در صورت امتناع تولید کننده از ایفاء تعهد تقاضای الزام او را از محکمه بنماید. (کاتوریان، ۱۳۷۴، ۳۴۶۴۱) در دادنامه شماره ۳۱۰ مورخ ۸۲/۸/۵ شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات نیز شرکت سازنده خودرو را براساس صرف صدور برگ گارانتی متعهد دانسته است و لزومی به تنظیم قرارداد خاص با تک تک خریداران ندانسته است. در این دادنامه اگر چه گارانتی را شرط ضمن عقد فرض نکرده است ولی رعایت مفاد آن را از سوی فروشنده الزام‌آور دانسته است(دادنامه شماره ۳۱۰ مورخ ۸۲/۸/۵ شعبه دادگاه عالی انتظامی) بنابر این به نظر می‌رسد گارانتی حتی اگر به عنوان شرط ضمن عقد هم تلقی نشود و صرفاً شرط و یا تعهد جداگانه‌ای محسوب شود الزام آور است و متعهد باید به مفاد آن پایبند باشد.

۳- نهادهای مشابه با گارانتی

الف) **التزام** که جمع آن التزامات است در لغت به معنای همراه بودن- ملازمه‌شدن- به گردن گرفتن- ملزم شدن به امری- آماده کردن درآمدهای مالیاتی و همراهی (دلالت) می‌باشد. در اصطلاح نیز التزام (وجه التزام) از آن جهت که معمولاً طرفین در ضمن عقد معین می‌کنند و به همراه عقد می‌باشد نزدیک معنی لغوی آن می‌باشد. وجه التزام (= شرط جزا) مبلغی است که متعاقبین در حین انعقاد عقد به موجب توافق (خواه ضمن همان قرارداد اصلی باشد، خواه به موجب موافقت مستقل، که در این صورت باید پیش از بروز تخلف متعهد، از تعهد باشد) به عنوان میزان خسارت (مادی یا معنوی) محتمل‌الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد و یا ناشی از تأخیر در اجرای تعهد، پیش‌بینی کرده و بر آن توافق کنند(ماده ۲۳۰ قانون

مدنی ایران). چنین توافقی هرگاه به صورت شرط ضمن عقد باشد شرط جزا یا شرط کیفری نامیده شده است.

ب) ضمانت را می توان از جهت چگونگی وسعت دامنهی آن به سه گونه تقسیم کرد: ۱- مشروط یا

مطلق بودن ۲- محدود یا غیر محدود بودن ۳- عام یا خاص بودن

ضمانت مطلق، ضمانتی است که مقید به هیچ شرطی نباشد. مثال این نوع ضمانت، ضمانتی است که به موجب آن به محض سررسید تاریخ معین و امتناع مضمون له از پرداخت، مسؤولیت ضامن تحقق پیدا می کند. هر گاه مسؤولیتی که به موجب ضمانت ایجاد می شود محدود به مدت معینی باشد ضمانت محدود است و در غیر این صورت نامحدود. گاه نیز ممکن است ضمانت به بیش از یک معامله مربوط باشد که در این صورت، ضمانت عام است؛ ولی هرگاه ضمانت به یک معاملهی خاص ارتباط داشته باشد، ضمانت خاص است (فتحی پور، ضمانت در معاملات بین المللی).

ج) شرط سلامت کالا: هر معاملهی با شرط ضمنی و ابتدایی «سلامت کالا» صورت می گیرد،

این موضوع هم در حقوق خارجی (الن و کوتر^۱، قانون و اقتصاد، فصل ۳) تحت عنوان «تضمین ضمنی» و هم در متون فقه (مکاسب شیخ انصاری و...) مورد پذیرش قرار گرفته است. بدین ترتیب، در صورتی که گارانتی، شرط تضمین سلامت کالا پنداشته شود، این امتیاز را برای خریدار پدید می آورد که از بار اثبات تقصیر فروشنده یا سازنده معاف شود، چرا که مسؤولیت سازنده یا فروشنده کالا بر تضمین صریح یا ضمنی سلامت کالا به سود خریدار است که او را از اثبات تقصیر فروشنده بی نیاز می سازد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۱، ۳۴۵، ۱۴).

۴- مبانی گارانتی

الف) اطمینان خاطر خریدار: امروزه شرکتهای تولید کننده و سازندهی کالا به منظور ترغیب

خریداران به خرید کالاهایشان نه تنها عیب و نقص پدید آمده در کالا را تضمین می کنند بلکه ارائه خدمات فراتر از عیب و نقص را نیز به تعهدات خود می افزایند. بدین گونه، تعهداتی که به صورت شرط ابتدایی مطرح هستند و مطابق مادهی ۱۰ قانون مدنی الزام آور بودن آنها مسلم است، در صورت استنکاف متعهد از

انجام تعهدات خود، خریدار حق مطالبه خدمات تعهد شده را خواهد داشت. چرا که هر نوع قرار معاملی که از دید عقلا و عرف، عقد و پیمان تلقی گردد، مشمول اصل وفای به عهد و در زمره‌ی تجارت ناشی از تراضی، معتبر و صحیح است (قنوتی و همکاران، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، ۱، ۲۱۳).

ب) رقابت در امر تجارت: در دنیای رقابتی امروزی، بازارها از مرزهای جغرافیایی و حالت سنتی

خود خارج شده‌اند و تولیدکنندگان در تلاشند تا محصولات خود را در تمام مناطق جهان با کمترین هزینه ممکن ارائه نمایند (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۵، ۲۳-۳۶). در سال‌های اخیر، ارائه خدمات پس از فروش^۲، یکی از مهمترین عوامل مؤثر در کسب رضایت مشتریان بوده است (مارتی و جمال‌الدین، ۲۰۰۲، ۲۳۱) این موضوع، یکی از مواردی است که هزینه‌های زیادی را به تولیدکننده تحمیل می‌نماید و اعمال سیاست‌های مناسب در این خصوص می‌تواند از هزینه‌های بی‌مورد جلوگیری نماید (هوانگ و ژئو، ۲۰۰۴، ۱۶۳).

ج) اهتمام فروشندگان جهت تولید کالاهای مقاوم و جلوگیری از سوءاستفاده: در

چنین مواردی، ضروری است که تولیدکننده فقط به فکر کاهش هزینه نباشد و مواردی از قبیل توان پیمانکاران، کیفیت کاری آنها و دیگر موارد مورد نظر خود را در برون‌سپاری خدمات گارانتی جستجو نماید، زیرا در غیر این صورت، در بلندمدت با مشکلاتی روبرو خواهد شد.

۵- ادله مشروعیت گارانتی

الف) قرآن

به عقیده فقیهان شیعه ادله لزوم وفای به شرط همان‌طور که شامل شروط ضمن عقد می‌شود، شروط ابتدایی غیر مندرج در آن را نیز دربرمی‌گیرد که آیات ذیل منبعث از مطلب مزبور می‌باشد. آیات مربوط به وفای به عهد نظیر: «... والموفون بعهدهم اذا عاهدوا...» (بقره، ۱۷۷)؛ «المؤمنان کسانى هستند که به عهد خود وفا می‌کنند». «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون» (المؤمنون، ۸)؛ «آنان که ادای امانت و وفای به عهد را مراعات می‌کنند»، همان‌طور که حکم عهد و پیمان بندگان با خداوند را بیان می‌کنند، پیمان‌های

1- William, Should you set up your own sales force or should you outsource it?

2- Warranty

3- Murthy & Djmaludin, New product warranty: a literature review

4- Huang & Zhuo, Estimation of future breakdowns to determine optimal warranty policies for products with deterioration

خصوصی میان مردم را نیز دربرمی‌گیرد. به موجب آیه شریفه «اوفوا بالعقود» وفا به همه عقود، مورد امر الهی قرار گرفته است. عقود به معنای عهود است و چنانچه در صحیحه ابن سنان آمده است «العقود هو العهود». بنابراین، چون واژه شرط در معنی عهد به طور مطلق به کار رفته است، مشمول این آیه می‌باشد و وفا به آن لازم است. اگرچه شیخ انصاری معتقد است که این آیه درصدد بیان حکم تکلیفی می‌باشد و حکم وضعی جدا از حکم تکلیفی است، اما پس از ایشان اکثر فقیهان معتقدند که منظور آیه بیان حکم وضعی و به تعبیری دیگر، هدف آیه بیان نفوذ و لزوم عقود و شروط است (طباطبایی الحکیم، ۱۴۱۱، ۱۲، ۲۶۸).

ب) سنت

اخبار و روایات متعددی مضمون «المؤمنون (المسلمون) عند شروطهم» را نقل کرده‌اند که به برخی از آنها در ذیل اشاره شده است:

الف. عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: هر کس مخالف کتاب خدا شرط کند، مجاز نیست که انجام دادن آن را بخواهد و کسی که به آن ملتزم شده نیز لازم نیست به آن وفا کند. مسلمانان تا زمانی ملزم به وفای به شروط هستند که آن شروط موافق کتاب خدا باشد.

ب. موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام که در آن امام از پدرشان علیه السلام نقل کرده‌اند، علی علیه السلام فرموده‌اند: هر کس برای زوجه‌اش شرطی کند باید به آن وفا کند، زیرا «المسلمون عند شروطهم الا شرطا حرم حلالا او احل حراما» (همان، ۱۲، ۲۶۸).

ج. روایت علی بن رثاب از موسی بن جعفر علیه السلام که در آن امام علیه السلام به عبارت «المسلمون عند شروطهم» اشاره کرده است (همان، ۱۵، ۴۹).

جمله «المؤمنون (المسلمون) عند شروطهم» اگرچه یک جمله خبری است، در حقیقت انشای حکم است. همان طور که در اصول فقه آمده است، منظور از جمله خبری در مقام انشاء، اعلام نیست بلکه بعث است و به قول فقیهان چنین جمله‌ای «آکد در بعث» است، زیرا جمله خبری از وقوع مطلوب در مقام طلب خبر می‌دهد، گویی گوینده جمله نیز به وقوع مدلول آن راضی نیست و از این رو، جمله مؤکد است (خراسانی، ۱۴۱۳، ۷۱). چنانکه به عقیده شیخ انصاری مفاد حدیث مزبور، یک حکم تکلیفی است. بدین ترتیب، به موجب این قاعده، مؤمنان موظف و مکلف شده‌اند که به قراردادهای و شروطشان وفا کنند.

بعضی از فقها با عقیده شیخ انصاری مخالفت کرده و معتقدند استنباط حکم تکلیفی در مورد وفای به شرط صحیح نیست، زیرا اگر وفا واجب است فسخ آن باید محرم باشد، در حالی که چنین نیست. بنابراین جمله مزبور بیان‌کننده حکم وضعی است که مفاد آن نفوذ و لزوم شرط است.

۶- قواعد فقهی

از آنجا که در فقه محثی بنام گارانتی وجود ندارد، نگارنده بنا بر ضرورت به مطابقت آن با ضمان پرداخت در حالی که ضمان نیز دقیقاً منطبق با واژه مزبور نیست ولی تا حد زیادی به آن نزدیک می‌باشد، بنابراین در این قسمت قواعدی که به مسأله خسارت در تعهد و ضمانت مربوط می‌شود گنجانده شده است، زیرا در گارانتی نیز می‌بایست در موعد مقرر به متعهدله طبق زمان داده شده یا کالا تعویض شود و یا کالا تعمیر گردد و یا خسارت مالی داده شود. به نظر می‌آید قواعد زیر در برگیرنده مفاهیم مورد نظر باشد.

الف) قاعده غرور

بر اساس این قاعده اگر کسی دیگری را فریب دهد و در اثر این عمل خسارتی به او وارد شود غارّ (فریبنده) ضامن جبران خسارت مغرور (فریب داده شده) است. در فرضی که فروشنده، مال غیر را به مشتری فروخته و مبیع مستحق للغير درآمده و مالک مبیع، آن را به انضمام خسارات از خریدار گرفته است پس فروشنده باید خسارات وارده به مشتری را جبران نماید، چه آنکه در حقیقت او خریدار را فریب داده و باعث ایراد ضرر به وی شده است (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۷، ۱، ۱۷۹).

برخی از فقیهان علم غارّ را شرط صحت استناد به قاعده غرور دانسته اند (حکیم، بی‌تا، ۲۷۳؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۶، ۸۱). اما گروهی دیگر صرف عمل فریبنده را در تحقق غرور کافی می‌دانند و براین نظرند که علم یا جهل غار در ضمان او بی‌تاثیر است (مراغی، ۱۴۱۸، ۲، ۴۴۱). به هر روی برای اعمال قاعده غرور، جهل خریدار ضروری است، ولی درباره جهل فروشنده به استحقاق غیر نسبت به مبیع اختلاف وجود دارد. اما آنچه مسلم است این است که خریدار بر اثر خدعه و فریب فروشنده، وی را مالک پنداشته و بیع را منعقد ساخته و از این بابت متحمل هزینه و مخارج شده است. پس بایع موظف است خسارات وارده به خریدار جاهل را جبران نماید. اما خریدار عالم، حق رجوع برای دریافت خساراتی که متحمل شده است

ندارد، زیرا با آگاهی او از واقع امر، طبعاً غرور محقق نشده است از این رو مشمول قاعده اقدام خواهد شد (مغنیه، ۱۴۰۴، ۳، ۱۱۲).

بنابراین، طبق این قاعده در گارانتی نیز هرگاه فروشنده، کالایی را به خریدار فروخت، اگر در آن تقلب کرده باشد و فروشنده بدین عمل آگاه نباشد، خریدار می‌بایست خسارت وارد آمده به فروشنده را بپردازد. نگارنده می‌پندارد که حتی براساس این قاعده می‌توان گفت اگر فروشنده جنسی را به روش صحیح فروخته باشد، و از سوی دیگر برگه گارانتی یا ضمانت‌نامه به فروشنده سپرده که اگر کالا دچار نقص گشت آن را تعمیر و یا تعویض می‌نماید، اما اگر این عمل را بعدها انجام ندهد، این عمل خود تقلب محسوب شده و موجد قاعده غرور می‌گردد، زیرا خریدار به شرط‌هایی که در ضمانت‌نامه آمده آن کالا را خریداری نموده است، حال اگر فروشنده از مسؤولیت تعهد آن شانه خالی نماید، خریدار دچار خسران شده که مطابق قاعده مزبور فروشنده موظف است خسران خریدار را بپردازد.

ب) قاعده نفی ضرر

قاعده نفی ضرر که از روایات مستفاد است، عن زراره عن ابی جعفر (ع): فی قضیه سمره بن جندب عن الرسول (ص): لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. بنا به نظر برخی از فقیهان مشتری می‌تواند برای مطالبه خسارات به فروشنده مراجعه کند، چه آنکه در غیر این صورت وی متحمل ضرر و زیانی می‌شود که می‌توان با قاعده نفی ضرر، جلوی ورود این ضرر را گرفت و آن را نفی کرد (نائینی، بی‌تا، ۱، ۲۹۴؛ خویی، ۱۳۷۱، ۴، ۳۵۱).

ولی استدلال به قاعده نفی ضرر برای اثبات حکم حق مراجعه مشتری به فروشنده جهت گرفتن خسارت به نظر برخی از فقیهان محل اشکال است، چه آنکه قاعده نفی ضرر از اثبات حکم ناتوان است و فقط صلاحیت نفی حکم ضرری را دارد و در مورد بحث نیز نمی‌توان از این قاعده برای اثبات مسؤولیت فروشنده نسبت به جبران خسارت کمک گرفت. علاوه بر این لازمه جریان قاعده نفی ضرر در مورد بحث، تحمیل ضرر و زیان بر بایع است که این قاعده می‌تواند آن ضرر را نیز نفی نماید، پس با تعارض نفی ضرر در ناحیه مشتری و فروشنده قاعده مذکور صلاحیت استدلال را در محل بحث از دست می‌دهد (خویی، ۱۳۷۱، ۴، ۳۵۰).

اما به نظر نگارنده آنچه از این قاعده استفاده می‌شود این است که فروشنده تعهد بر استحکام و دوام و سلامت کالا را نمود. اکنون اگر الزام اور نباشد به ضرر ایشان خواهد بود و در حقیقت خریداری‌های کالا با ویژگی‌های تضمین‌شده در قرارداد را پرداخت نموده است حال اگر به آن اوصاف و ویژگی‌های تعهدشده دست نیابد به ضرر ایشان خاتمه پیدا می‌کند و قاعده نفی ضرر چنین اجازه‌ای را نخواهد داد. بنابراین طبق این قاعده خریدار می‌تواند به فروشنده مراجعه نموده و بهای خسارت خود را طلب نماید یا اینکه نقص کالای خود را برطرف نموده و یا آن تکه را تعویض نماید.

ج) قاعده تسبیب

طبق این قاعده، هر کس موجبات ورود خسارت به دیگری را فراهم کند و به طور غیر مستقیم سبب تلف مال او شود ضامن خواهد بود. خواه این سببیت برای ورود خسارت یا تلف مال از روی عمد باشد یا غیرعمد، و اعم از اینکه به واسطه فعل مثبت (مانند حفر چاه در معبر عمومی) باشد یا ترک فعلی که باید انجام می‌داد (مانند مواظبت از حیوان). بنابراین در مقام استناد به این قاعده می‌توان گفت کسی که مال غیر را می‌فروشد در حالی که مشتری به این امر جاهل است و آنگاه با مراجعه مالک و استرداد مبیع و غرامات، مشتری متحمل خسارت می‌شود، در واقع این فروشنده است که سبب ورود خسارت به او شده است. از این رو باید ضامن را متوجه فروشنده دانست.

مطابق قاعده مزبور اگر کالایی را که کارخانه دار به صورت ناقص تولید نموده و از طرفی تعهد کرده که برای فلان مدت از دوام و قدرت برخوردار است و خریدار در قبال این تعهد و اطمینان به صداقت متعهد بهای آن را پرداخته است. اکنون چنانچه کالای مورد قرارداد از آن دوام و استحکام برخوردار نباشد، در حقیقت پولش را تلف نموده و فروشنده سبب این تلف شده است. بنابراین به شیوه مرسوم تجارت امروز به صورت تعمیر یا کالای جایگزین یا استرداد پول خریدار باید بری‌الذمه گردد. یعنی قاعده تسبیب می‌تواند عامل الزام آور بودن تعهد فروشنده باشد. در این جا نیز پول و کالای خریدار مورد تلف قرار گرفته است. به نظر نگارنده این قاعده را نیز می‌توان از ادله مشروعیت گارانتی دانست، زیرا همان طور که پیشتر توضیح داده شد، به دلیل نقصی که در خود کالا از زمان قبل از فروش موجود بوده و یا به دلیل کیفیت پایین کالا و مسائل دیگری که می‌توان آن را به زمان و مکان تولید ارتباط داد، خریدار حق فسخ یا جایگزینی قطعات را دارد.

۷- ادله مشروعیت گارانتی در حقوق ایران

الف) قانون مدنی

قانون مدنی ایران، فرض تعلیق الزام نظریه تضامن را به طور ناقص پذیرفته است. تدوین کنندگان قانون تجارت حتی فراتر از این در دو فرض تصریح قانون‌گذار یا تصریح متعاقدین از نظریه تضامن کامل پیروی نموده‌اند.

۱- ضمان قهری: اگراراده متعهد در ایجاد تعهد دخالتی نداشته باشد و این تعهد به حکم قانون (ماده ۳۰۷ ق.م.) بر متعهد تحمیل شده باشد. این تعهد «قهری» است مانند ضمان غاصب (ماده ۳۱۱ ق.م.) نسبت به مال مغضوب یا ضمان متلف نسبت به مال تلف شده (من اتلف مال الغير فهو له ضامن) (نقطه اشتراکی موارد ضمان قهری ناخواسته بودن آنها است).

۲- ضمان ناشی از قرارداد: این نوع ضمان با قرارداد واقع بین طرفین به نوعی ارتباط دارد و می‌توان به نحوی آن را نتیجه قرارداد دانست. ضمان ناشی از قرارداد را براساس نوع ارتباطی که با قرارداد دارد به سه قسم می‌توان تقسیم کرد: الف) ممکن است «ضمان» اثر مستقیم یک توافق و قرارداد باشد و ضمان متعهد در مقابل متعهدله نتیجه قراردادی باشد که بین آنها واقع شده است. ب) ممکن است ضمان ناشی از تخلف یکی از طرفین قرارداد و نتیجه عدم اجرای تعهد باشد. مانند ضمان موضوع «ماده ۲۲۱ ق.م.» ج) ممکن است ضمان ناشی از این امر باشد که خواست طرفین در قرارداد محقق نشده است.

ب) قانون اساسی

با توجه به اینکه مبحث گارانتی مقوله‌ای است که همه مردم اعم از فروشنده و خریدار را در بر می‌گیرد، بنابراین، براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصول مختلف خود، حقوق بشر و شهروندی را مورد توجه قرار داده است می‌توان اصول زیر را متمایز ساخت:

اصل دوم: کرامت و ارزش والای انسانی، آزادی، عدل و نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ که در رابطه با مسأله مورد بررسی نیز می‌بایست به ارزش انسانی توجه نمود.

اصل سوم: وظیفه دولت در بالابردن سطح آگاهی‌های مردم با استفاده از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و...؛ که مطابق با آن می‌بایست به مردم ایران در رابطه با گارانتی براساس مبانی فقهی و حقوقی آگاهی داد تا بتوانند با اختیار در مواقع ضرورت به اقدامات لازمه دست یازند.

اصل بیستم: حمایت قانون از همه افراد ملت اعم از زن و مرد و برخوردارانی آنها از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. این مطلب می‌رساند که همه انسان‌ها در برابر قانون از حقوق یکسان برخوردارند و در مقوله گارانتی نیز هیچ فرقی میان فروشنده و خریدار وجود ندارد.

اصل سی و چهارم: حق دسترسی همه افراد ملت به دادخواهی به دادگاه‌های صالح. مطابق با مقوله مزبور همه افراد حق دارند که در آنجا که تعهدات نادیده گرفته شده به دادگاه ارایه شکایت نمایند و در آنجا دادخواست شان مورد بررسی قرار گیرد.

اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرای آن از طریق دادگاه صالح. هم فروشنده و هم خریدار هر دو حق دارند که بنا بر این اصل، حکم عادلانه در مورد مسأله مورد دادخواست داشته باشند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم: جبران خسارت توسط قاضی در اثر تقصیر و اشتباه او و وارد شدن ضرر مادی و معنوی به دیگری. در آنجا که به هر دلیلی قاضی حکم اشتباهی در مورد هر کدام از طرفین متعهد و متعهدله داده است جبران خسارت شود.

۸- ضمانت اجرای نقض گارانتی

الف) الزام متعهد بر تعمیر یا جایگزین

در حقوق اسلامی، تعهد چه مستقل و چه ضمن عقد نسبت به متعهد واجب الوفاء می‌باشد. این تکلیف برای متعهد له حقی ایجاد می‌کند که بر مبنای آن، چنانچه متعهد از انجام تعهد خودداری کند، می‌تواند از حاکم بخواهد او را بر عمل به تعهد اجبار کند.

چنانچه در متن عقد تصریحی به توقیت تعهد نشده باشد، قرائن و احوال هم بر توقیت، یا تعجیل، یا زمان خاص دلالت نکند، انصراف اطلاق به فور هم مورد قبول نباشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۴۸، ۵، ۴۷۶).^۱

متعهد می‌تواند هر وقت بخواهد به تعهد خود عمل کند. بدیهی است حکم همین است در صورتی که به این اطلاق در متن عقد تصریح شده باشد. ولی اگر به نحوی از انحاء، تقید تعهد به زمان خاص، یا به فوریت استفاده شود، بر متعهد واجب است تعهد را در همان زمان یا فوراً انجام دهد (گرگی، مقالات حقوقی، ۱، ۴۲ و ۴۳). این مسأله را می‌توان برای جایگزینی کالا و یا تعمیر نیز تعبیر و استفاده نمود.

۱- طباطبایی یزدی این انصراف را نپذیرفته است ولی در فصل اول همین کتاب مسأله ۵ آنرا مانند دیگران قبول کرده است.

ب) حق فسخ قرارداد

اولاً، به دلیل عدم اجرای تعهد نمی‌شود که عقد خودبه‌خود منحل گردد؛ ثانیاً، طبق مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی، ابتدا باید متعهد را به انجام تعهد اجبار کرد؛ و هرگاه اجبار ممکن نبوده، ولی انجام تعهد، به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، باید باخرج او، موجبات انجام تعهد را فراهم کرد.

ثالثاً، اگر اجبار ممکن نبوده و عمل نیز از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند انجام دهد، یا وسایل انجام آن به وسیله دیگری فراهم نباشد، متعهدله حق خواهد داشت، قرارداد را فسخ کند. این حق فسخ نیز، ناشی از طبیعت عقود معوض است، که در آنها، تعهدات طرفین به هم گره خورده است. چنین حق فسخی، مخصوصاً از این جهت اهمیت دارد که به یک طرف، نوعی حق دفاع می‌دهد تا در مقابل تخلف طرف دیگر، بتواند معامله را فسخ کند و اجازه ندهد طرف خطاکار، از مزایای قرارداد معوضی بهره‌مند شود، که خود آن را عملاً نقض کرده است (احمدوند، ۱۳۹۱، شماره ۵۳).

ج) تأدیه خسارات حاصله

اگر تقید بر نحو تعدد مطلوب باشد یعنی متعهدله دو هدف داشته باشد که یکی به مطلق عمل، تأمین گردد چه در وقت انجام شود و چه در خارج وقت، و دیگری به عمل در وقت خاص، مثل این که بازرگان پارچه‌ای را به کارخانه برای شب عید سفارش دهد و کارخانه تا شب عید پارچه را حاضر نکند بدیهی است در این صورت گرچه با تخلف کارخانه بازرگان به هدف کامل خود نرسیده، ولی هدف او بکلی تفویت نشده است. لذا اعم از آن که تعهد ابتدایی باشد یا ضمنی، متعهد له می‌تواند در صورت تأخیر، به علت تخلف وصف یا شرط، عقد را فسخ کند و چنانچه فسخ نکند متعهد ملزم است در خارج وقت به تعهد خود عمل کند. چنانکه اشاره شد این تکلیف برای متعهد له حقی ایجاد می‌کند که به موجب آن می‌تواند به وسیله حاکم، متعهد را بر عمل به تعهد اجبار کند (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۳، ۴۶۱ و ۵۰۴).

در هر حال چنانچه از عدم انجام تعهد، چه ابتدایی و چه ضمنی، ضرری به متعهدله متوجه گردد بر متعهد واجب است بموجب قاعده تسبیب، ضرر متعهد له را جبران کند. هرگاه عدم اجراء تعهد و یا تأخیر آن، منشاء به وجود آمدن سبب دیگری از اسباب ضمان باشد باز متعهد ضامن است و باید خسارت وارده را جبران کند.

۹- شروط احراز نقض گارانتی

الف) اعلام به موقع متعهدله

در مسؤولیت قراردادی (عهدی) هر متعهدی که تعهد خود را انجام ندهد مسؤول است. یکی از شرایط الزام طرف متعهد به انجام تعهد ناشی از عقد فرارسیدن موعد اجرای آن است. سررسید (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸، ۲۴۱) موعد فاصله ای است که از زمانی که برای یک عمل حقوقی به توسط قانون (موعد قانونی - ماده ۶۱۱ آئین دادرسی مدنی) یا دادرس دادگاه یا یکی از ماموران رسمی یا توسط طرفین قرارداد (ماده ۲۲۶ قانون مدنی) مقرر می شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۱۲۴). اگر در قراردادها زمان معینی برای انجام آن تعیین شده باشد به محض فرارسیدن زمان اجرا (سررسید) وفای به عهد به عمل خواهد آمد و متعهدله در رأس مدت حق دارد اجرا تعهد را بخواهد (همان، ۱۲۴).

در حقوق ایران مدت اجل باید معلوم و معین باشد، قانون مدنی در ماده ۲۲۶ لزوم رعایت اجل تعهد، قید معین را برای مدت متعهد به کار برده است. محقق در شرایط درباره لزوم تعیین مدت اجل در بیع می نویسد که اگر شرط موعد کند در ثمن، صحیح است و لیکن باید موعد معین باشد که احتمال زیاد و کم در آن نرود و اگر شرط موعد کند و معین نکند یا معین کند. موعد مجهولی را مثل آمدن حاجی ها، بیع باطل است (محقق حلی، ۱۳۷۴، ۱، ۹۷).

ب) عدم افراط یا تفریط متعهدله

تعهد متعهدله یا زیان دیده به کاستن از خسارت، دفاعی است که از سوی خواننده دعوی مسؤولیت ابراز می شود. وارد کننده زیان ملزم است که تمام زیانهای ناشی از فعل یا ترک فعل خود را که به زیان دیده وارد گردیده جبران کند. هدف قواعد مسؤولیت مدنی نیز این است که هیچ زیان ناروایی جبران نشده باقی نماند. با وجود این، اصل جبران کامل زیان^۱ در پاره‌ای موارد تأمین نمی گردد و به عللی بخشی از زیان در حکم دادگاه جبران نشده باقی می ماند. خواهان زیان وارده به خود را ارزیابی و میزان آن را به دادگاه ارایه نموده ولی دادگاه به جبران همه آن حکم نداده است. بدین ترتیب، گاه شرایط و ارکان فنی مسؤولیت مدنی و تبع التزام خواننده به جبران زیان ثابت نمی شود و گاه علی‌رغم اثبات ارکان مسؤولیت، برای رعایت عدالت

و انصاف از خسارت قابل پرداخت کاسته می‌شود برخی از مؤلفان همه این موارد را تحت عنوان کاستن از خسارت^۱ آورده‌اند (اخوی و کاشانی، تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت).

ج) ورود نقض در حوزه تعهد

شرکت‌ها یا مؤسسات مختلف کالای خود را در برابر خریدار گارانتی می‌کنند، اما در میان تعهدات خود شرایطی را نیز قرار می‌دهند که ورود نقض در حوزه تعهد است که می‌تواند شامل موارد زیر شود: ۱- انقضای شرایط گارانتی، ۲- دستکاری در سیستم کالای خریداری شده، ۳- استفاده از مواد مصرفی و قطعات غیراستاندارد، ۴- اعمال فشار بیش از حد به قطعات دستگاه و یا کالای مورد نظر، ۵- بی‌توجهی به علامات هشدار دهنده، ۶- هرگونه تغییر و دستکاری در قطعات کالای خریداری شده ۷- تعمیر و تعویض در تعمیرگاه‌های مجاز و موارد دیگر که هر کدام از شرکت‌ها و مؤسسات برای کالای مورد نظر ارائه می‌دهند که اگر مشتری به موارد مزبور توجه ننماید تعهد فروشنده به مشتری فسخ می‌شود. اما از سوی دیگر، زمانی که تعهد فروشنده یا سازنده دستگاهی که به فروشنده فروخته شده برآورده نشود، نقض گارانتی اتفاق می‌افتد؛ زمانی که کالا همانگونه که زمان خرید کار می‌کرده کار نکند و یا مطابق گفته‌های فروشنده کار نکند، حتی اگر ایرادی هم پیدانکرده باشد، نقض گارانتی شده است. فروشنده نیز باید طبق گارانتی، مبلغ کالا را مسترد کرده، آن را تعمیر و یا تعویض کند. طبق قانون (ماده ۲۲۱ قانون مدنی) اگر فروشنده از عمل طبق گارانتی سرباز زند، خریدار می‌توان برای پیگیری شکایت به دادگاه مراجعه کرد.

۱۰- نتیجه‌گیری

یکی از پیچیده‌ترین مقوله‌های دنیای جدید، توسعه کاربردی تکنولوژی و کالاهای مصرفی در زندگی بشر جدید است که تبادل اجناس و ابزار مصرفی در نظر مصرف کننده با این دیدگاه و امید که با حداقل هزینه، حداکثر استفاده و بهره حاصل آید، ضرورت ایمنی و تعهد کالای عرضه شده برای مشتری و صارف از سوی مولد و مبیع از دیرباز منظور نظر بوده است؛ از این روی مبحث و مقوله گارانتی یا ضمان همواره از سوی مشتری یا خریدار با دیدگاه اقتصادی، سود دهی و بهره بری بیشتر مطرح بوده است.

واژه گارانتی از مصادیق و مفاهیم دنیای جدید است که در منابع و متون فقهی و حقوقی ایران از پیشینه قدیمی برخوردار نیست و در هیچ کجای منابع کلاسیک اشاره مستقیمی به آن مقوله نشده است، اما از مفاهیم نزدیک به این مصداق در متون و منابع فقهی اسلامی واژه ضمان است که با در نظر داشت معانی و مفاهیم گسترده آن، مفهومی نزدیک به گارانتی را در معنی کاربردی می‌رساند.

چنان که در خلال این بررسی و جستجو گفته شده، مسؤولیت فروشنده در قبال کالای فروخته شده به مشتری، یک مسؤولیت مدنی است که در نظام اقتصادی و توسعه های جدید نفع مشتری یا متعهده را در نظر داشته است، چرا که مشتری نبض توسعه تولید و تداوم حیات مولد است و مولد یا فروشنده رضایت مشتری را در قبال گارانتی یا تعهد و تضمین کالا می‌جوید. از سوی دیگر، براساس آن چه در نظام فقهی و حقوقی ایران آمده است، متعهده از حق فسخ برخوردار است و در مقابل متعهد نیز نسبت به تعمیر، تعویض کالا و لوازم مورد نظر یا تأدیه خسارت و جبران ضرر متعهده ملتزم است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۷۸)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات صبانگار، تهران.
- ۲- آخوند خراسانی، محمدکاظم، (۱۴۰۶)، حاشیه المکاسب، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- ۳- ابن منظور، جمال‌الدین محمد، (۱۴۰۵)، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۸.
- ۴- احمدوند، ولی‌الله، (۱۳۹۱)، تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد، نشریه مصباح، شماره ۵۳.
- ۵- اخوی، سید محسن، کاشانی، محمود، (۱۳۹۱)، تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت (با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا)، قابل دریافت از سایت <<http://www.ghazavat.com/file/21/Selection.htm>>
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۱)، حقوق اسلام، گنج دانش، تهران، ش ۲۰۶.
- ۷- حکیم، سید محسن، (بی‌تا)، نهج الفقاهه، انتشارات ۲۲ بهمن، قم.
- ۸- خراسانی، محمدکاظم بن حسین، (۱۴۱۳)، کفایه الاصول. لقمان، قم.
- ۹- خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ج ۲.
- ۱۰- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه، چاپ سوم، ناشر وجدانی، قم، ج ۴.
- ۱۱- شهید اول، محمدبن مکی عاملی، (۱۴۰۶)، اللمعه دمشقیه، بیروت، دارالناصر.
- ۱۲- شهید ثانی، زین‌الدین جبعی عاملی، (۱۳۸۷)، شرح المعه المشقیه، چاپ نجف، ج ۳.
- ۱۳- شهید ثانی، زین‌الدین جبعی عاملی، (۱۴۱۰)، شرح اللمعه دمشقیه، داورى، قم، ج ۲.

- ۱۴- شهید ثانی، زین‌الدین جبعی عاملی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ج ۱.
- ۱۵- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۴۸)، در اجاره عروه الوثقی، چاپ نجف.
- ۱۶- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۷۸)، حاشیه المکاسب، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۱.
- ۱۷- طباطبایی الحکیم، محسن، (۱۴۱۱)، مستمسک العروه الوثقی، نجف، مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱۲.
- ۱۸- فتحی‌پور، علی، (۱۳۶۹)، ضمانت در معاملات بین المللی، ۱۳۶۹/۷/۱، قابل دریافت از سایت <http://www.ghavanin.ir>
- ۱۹- فخر المحققین، محمدبن حسین، (۱۳۸۹)، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۱.
- ۲۰- فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، (بی‌تا)، قاموس المحيط، ج ۴، دارالعلم، بیروت.
- ۲۱- فیومی، احمد بن محمد بن علی، (بی‌تا)، المصباح المنیر، بیروت، دارالفکر.
- ۲۲- قمی، ابوالقاسم بن حسن، (۱۴۱۳)، جامع الشتات، تهران، کیهان، ج ۲.
- ۲۳- قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سیدحسن، عبدی پور فرد، ابراهیم، (۱۳۷۹)، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، ج ۱، زیر نظر دکتر سید مصطفی محقق داماد، تهران، نشر سمت.
- ۲۴- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، شماره ۳۴۵.
- ۲۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران نشر دادگستر، چاپ اول.
- ۲۶- کاظمی یزدی، سید محمد، (۱۳۷۱)، سؤال و جواب، به اهتمام دکتر سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، اول، شماره ۱۹.
- ۲۷- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۶۵)، مقالات حقوقی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج اول، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- ۲۸- محقق حلی، (۱۳۷۴)، شرایع السلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی بکوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ج ۱.
- ۲۹- مراغی، میرفتاح، (۱۴۱۸)، العناوین الفقهیه، مؤسسه النشر الاسلامی، تهران، ج ۲.
- ۳۰- معین، محمد، (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، تهران، چاپ پنجم.
- ۳۱- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۰۴)، فقه الامام جعفر صادق، دارالجواد و دارالتیاریت جدید، بیروت، ج ۳.
- ۳۲- نائینی، محمد حسین، (۱۴۱۸)، منیه الطالب، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۱.

- 33- Elen, C. (2000). Law and Economics. ch 3, E. analysis of contract.
- 34- Huang, Y.S. and Zhuo, Y.F. (2004) Estimation of future breakdowns to determine optimal warranty policies for products with deterioration. Reliability Engineering and System Safety, 84, 163-168.
- 35-Murthy, D.N.P. and Djamaludin, I. (2002). New product warranty: a literature review. International Journal of Production Economics, 79, 231-260.
- 36- William T. Ross Jr., Fr de ric Dalsace, Erin Anderson. (2005). Should you set up your own sales force or should you outsource it? Pitfalls in the standard analysis. Business Horizons, 48, 23-36.

Archive of SID